



A Comparative Study of Legal Requirements Governing AI-Based Advocacy in Iranian and U.S. Law

Morteza Mokhles¹ , Abdollah Rajabi² , Hossein Sadeghi³ 

1. PhD Candidate in Private Law, College of Aras, University of Tehran, Iran (Corresponding author), Email: mokhlas@yahoo.com

2. Assistant Professor, University of Tehran, College of Farabi, Iran, Email: rajabya@ut.ac.ir

3. Associate Professor, University of Tehran, Faculty of Entrepreneurship, Iran, Email: mm.ir49@yahoo.com

Abstract

Received:
23/08/2025
Revised:
25/11/2025
Accepted:
02/12/2025
**Published
online:**
22/12/2025

The rapid advancement of artificial intelligence (AI) has posed unprecedented challenges to traditional legal institutions, particularly the institution of legal advocacy. Advocacy, as a profession grounded in human personality, trust, and professional competence, faces profound theoretical and practical questions with the introduction of non-human technologies especially within the Iranian legal system. By contrast, the U.S. legal system, with its pragmatic and case law-based approach, has gradually recognized the use of AI not as an independent lawyer but as a supportive instrument in legal processes. This comparative study examines the theoretical foundations, functional dimensions, and regulatory requirements of AI-based advocacy within the legal frameworks of Iran and the United States. The findings indicate that Iran's principal challenge lies in the absence of legal personality, independent will, and capacity for AI, whereas in the U.S, the main concerns involve liability determination, confidentiality protection, adherence to professional standards, and the prevention of algorithmic bias. Moreover, by analyzing ethical, jurisprudential, and regulatory dimensions, this paper seeks to provide a comprehensive perspective on the future of legal advocacy in the age of intelligent technologies. Ultimately, the study elucidates the shared and divergent aspects of both systems and offers a framework for developing legal solutions compatible with forthcoming transformations in the digital era.

Keywords: AI Regulation, Artificial Intelligence, Civil Liability, Legal Advocacy, Legal Comparison.

How To Cite: Mokhles, M. Rajabi, A & Sadeghi, H (2025). A Comparative Study of Legal Requirements Governing AI-Based Advocacy in Iranian and U.S. Law, *Insights of Intellectual Property Law in Islamic Countries*, 1(4), 89-103. doi.org/ 10.22091/diplic.2025.14287.1030.





بررسی تطبیقی الزامات حاکم بر وکالت در هوش مصنوعی در حقوق ایران و آمریکا

مرتضی مخلص^۱، عبدالله رجیبی^۲، حسین صادقی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پردیس ارس دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: mokhlas@yahoo.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تهران، دانشکده‌گان فارابی، دانشکده حقوق، ایران، رایانامه: rajabya@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تهران، دانشکده کارآفرینی، ایران. رایانامه: mm.ir49@yahoo.com

چکیده

پیشرفت‌های شتابان هوش مصنوعی، نهادهای سنتی حقوقی از جمله وکالت را با پرسش‌های نوپدید مواجه ساخته است. وکالت نهادی مبتنی بر شخصیت انسانی، اعتماد و صلاحیت حرفه‌ای است که ورود فناوری‌های غیرانسانی به آن، به‌ویژه در نظام حقوقی ایران با چالش‌های بنیادین مواجه می‌شود. در مقابل، نظام حقوقی ایالات متحده با رویکردی عمل‌گرایانه و مبتنی بر رویه‌های قضایی، استفاده از هوش مصنوعی را هرچند نه به‌عنوان وکیل مستقل بلکه در جایگاه ابزار کمکی در فرایندهای حقوقی به رسمیت شناخته است. این پژوهش با رویکردی تطبیقی، به بررسی مبانی نظری، کارکردی و الزامات حقوقی وکالت در پرتو هوش مصنوعی در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که چالش اصلی در ایران، فقدان شخصیت حقوقی و اراده مستقل و اهلیت برای هوش مصنوعی است؛ حال آنکه در آمریکا دغدغه اصلی تعیین مسئولیت، حفظ محرمانگی، رعایت استانداردهای حرفه‌ای و جلوگیری از سوگیری الگوریتمی است. افزون بر این مقاله حاضر با تحلیل ابعاد اخلاقی، فقهی و مقرراتی مرتبط می‌کوشد چشم‌اندازی جامع از آینده وکالت در عصر فناوری‌های هوشمند ارائه دهد. در نتیجه مطالعه حاضر ضمن تبیین وجوه اشتراک و افتراق دو نظام، زمینه‌ای برای ارائه راهکارهای حقوقی متناسب با تحولات آینده فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: تطبیق حقوقی، شخصیت حقوقی هوش مصنوعی، مسئولیت مدنی، وکالت، هوش مصنوعی.

استناد: مخلص، مرتضی؛ رجیبی، عبدالله و صادقی، حسین (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی الزامات حاکم بر وکالت در هوش مصنوعی در حقوق ایران و آمریکا، آموزه‌های حقوق مالکیت فکری کشورهای اسلامی، (۴)، ۸۹-۱۰۳.
<http://www.doi.org/10.22091/diplic.2025.14287.1030>



مقدمه

ظهور و گسترش فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی، ابعاد گوناگون زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده و نظام‌های حقوقی را با پرسش‌ها و چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، جایگاه و حدود نقش‌آفرینی هوش مصنوعی در عرصه وکالت و نمایندگی حقوقی است. وکالت به‌عنوان نهادی بنیادین در نظام‌های حقوقی، همواره بر اصولی چون استقلال و صلاحیت حرفه‌ای و رعایت موازین اخلاقی استوار بوده است. ورود فناوری‌های هوشمند به این عرصه، ضمن آنکه فرصت‌هایی همچون تسهیل دسترسی به عدالت، افزایش سرعت و کاهش هزینه‌های دادرسی را فراهم می‌آورد، مسائل بنیادینی را درباره مسئولیت، مشروعیت و حدود اختیارات این فناوری‌ها در مقام وکیل یا دستیار وکیل مطرح می‌سازد.

بررسی تطبیقی قوانین ایران و ایالات متحده آمریکا در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد. از یک سو، نظام حقوقی ایران با مبانی فقهی حقوقی خاص خود، وکالت را نهادی مبتنی بر شخصیت حقیقی و اعتماد شخصی می‌داند که ورود موجودات غیرانسانی به آن را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند. از سوی دیگر، نظام حقوقی آمریکا با رویکردی عمل‌گرایانه و مبتنی بر رویه‌های قضایی، به بررسی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های بهره‌گیری از فناوری‌های هوش مصنوعی در وکالت پرداخته و در برخی موارد امکان استفاده از آن را در قالب ابزارهای کمکی به رسمیت شناخته است. با توجه به تفاوت‌های مبانی و ساختاری این دو نظام، مطالعه تطبیقی در خصوص قواعد و مقررات حاکم بر وکالت و نسبت آن با فناوری‌های هوش مصنوعی، می‌تواند روشنگر چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو بوده و بستری برای ارائه راهکارهای حقوقی متناسب با تحولات آینده فراهم سازد. این مقاله در پی آن است تا با تحلیل تطبیقی موضوع، ضمن تبیین وجوه اشتراک و افتراق دو نظام، تصویری جامع از وضعیت موجود و مسیرهای پیش‌رو در زمینه وکالت مبتنی بر هوش مصنوعی ارائه دهد.

مقاله حاضر به بررسی تطبیقی الزامات و مقررات حاکم بر وکالت در پرتو فناوری هوش مصنوعی در دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با تحلیل مبانی نظری و قانونی وکالت، چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از ورود هوش مصنوعی به این حوزه را شناسایی کرده و ضمن مقایسه دیدگاه‌ها و رویکردهای دو نظام، راهکارهایی برای تنظیم و بهره‌برداری صحیح از این فناوری در عرصه وکالت ارائه نماید.

۱. مقایسه مفهوم وکالت و هوش مصنوعی در حقوق ایران و آمریکا

در حقوق ایران وکالت نهادی است که ماهیتی شخصی، قراردادی و مبتنی بر اعتماد متقابل میان وکیل و موکل دارد و مطابق مقررات قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی، تنها اشخاص حقیقی واجد اهلیت قانونی و صلاحیت اخلاقی می‌توانند به‌عنوان وکیل در مراجع قضایی فعالیت کنند. از این رو، ورود هوش مصنوعی به عرصه وکالت به دلیل فقدان شخصیت حقیقی، عدم برخورداری از اراده مستقل و ناتوانی در پذیرش مسئولیت مدنی و کیفری

با چالش‌های بنیادین مواجه است. افزون بر این، مبانی فقهی حقوق ایران که بر قصد، رضا و اهلیت تأکید دارند، پذیرش سامانه‌های خودکار به‌عنوان وکیل را منتفی می‌سازند (قهرمانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۰۲).

در مقابل، نظام حقوقی آمریکا با رویکردی عمل‌گرایانه و مبتنی بر کارکرد، وکالت را بیش از آنکه رابطه‌ای شخصی بداند، حرفه‌ای وابسته به مجوزهای ایالتی و مهارت‌های تخصصی تلقی می‌کند (Godreau-Aubert, 2022: 1603). هرچند هوش مصنوعی هنوز به رسمیت شناخته نشده که به طور مستقل نقش وکیل را ایفا کند، اما در مقام دستیار حقوقی دیجیتال، در فرایندهایی نظیر تحلیل پرونده‌ها، تنظیم مستندات، پیش‌بینی نتایج دادرسی و ارائه مشاوره اولیه حقوقی نقشی مؤثر یافته است (Frolova & Ermakova, 2021: 21). بنابراین، در حالی که حقوق ایران وکالت را به طور مطلق در انحصار انسان و مبتنی بر شخصیت فردی می‌داند (بیرانوند و احمدی، ۱۴۰۰: ۱۲۲)، نظام حقوقی آمریکا در عین حفظ چارچوب انسانی وکیل، نسبت به ادغام تدریجی فناوری‌های هوش مصنوعی در نظام وکالت رویکردی منعطف و تطبیقی اتخاذ کرده است.

۱-۱. کاربردهای هوش مصنوعی در وکالت

هوش مصنوعی به‌عنوان یک فناوری نوظهور، به تدریج جایگاه خود را در حرفه وکالت تثبیت کرده و تغییرات چشمگیری در این حوزه ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین کاربردهای آن، مدیریت پرونده‌های حقوقی است. نرم‌افزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی امکان سازماندهی مستندات و تسهیل فرآیندهای اداری را برای وکلا فراهم می‌کنند، به‌عنوان نمونه، برنامه‌هایی مانند Clio و MyCase قابلیت‌هایی همچون پیگیری زمان، هزینه‌ها و مهلت‌های قانونی را ارائه می‌دهند و به وکلا این امکان را می‌دهند که تمرکز بیشتری بر جنبه‌های کلیدی پرونده‌های خود داشته باشند.

در حوزه جستجوی حقوقی، هوش مصنوعی سرعت و دقت دستیابی به اطلاعات را افزایش داده است. سیستم‌هایی نظیر (ROSS Intelligence) با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، نتایج جستجوی حقوقی را بهینه‌سازی کرده و امکان دسترسی سریع به قوانین، سوابق قضایی و مستندات مرتبط را فراهم می‌کنند. این قابلیت موجب کاهش چشمگیر زمان موردنیاز برای تحقیقات حقوقی می‌شود (Frolova & Ermakova, 2021: 22). تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی نتایج دعاوی نیز از دیگر کاربردهای قابل توجه هوش مصنوعی در وکالت است. نرم‌افزارهایی مانند Lex Machina از داده‌های قضایی برای پیش‌بینی نتایج احتمالی پرونده‌ها استفاده کرده و به وکلا در تدوین استراتژی‌های مؤثر کمک می‌کنند (Custers et al, 2025: 6). این ابزارها امکان ارزیابی دقیق‌تر ریسک‌ها و فرصت‌های حقوقی را فراهم می‌سازند.

هوش مصنوعی همچنین در زمینه ارائه مشاوره حقوقی اولیه نقش مهمی ایفا می‌کند. چت‌بات‌ها و سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند به سؤالات حقوقی کاربران پاسخ‌های فوری ارائه دهند. برای مثال، ChatGPT به افراد این امکان را می‌دهد که اطلاعات اولیه حقوقی را دریافت کنند (Bohannon, 2023: 1). امری که به‌ویژه

برای کسانی که به خدمات وکلای حرفه‌ای دسترسی محدودتری دارند، سودمند است. علاوه بر این، «استفاده از هوش مصنوعی در پردازش و تحلیل اسناد حقوقی موجب تسهیل کار وکلا شده است. ابزارهایی مانند Kira Systems قادرند به‌طور خودکار اطلاعات کلیدی را از مستندات حقوقی استخراج کنند (Kufakwababa, 2021: 41) و در نتیجه، وکلا را از بررسی‌های طولانی و زمان‌بر بی‌نیاز ساخته و دسترسی سریع به نکات مهم پرونده را ممکن می‌سازند. هوش مصنوعی امکان دسترسی مستمر وکلا به جدیدترین تغییرات قانونی و تحولات حقوقی را فراهم می‌سازد. با استفاده از این فناوری، وکلا می‌توانند به سرعت به اطلاعات و منابع آموزشی جدید دست یابند و دانش حقوقی خود را به‌روز نگه دارند (Gates, 2024: 4).

مقایسه رویکرد قانون‌گذار در مقابل هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران و آمریکا در نظام حقوقی ایران، هوش مصنوعی نه در قوانین موضوعه تعریف مستقلی دارد و نه به‌عنوان نهادی حقوقی در عرصه وکالت شناخته می‌شود (تخشید، ۱۴۰۰: ۲۲۹). رویکرد قانون‌گذار ایرانی، بر مبنای شخصیت حقیقی و انسانی وکیل استوار است و به همین دلیل، کاربردهای هوش مصنوعی در وکالت به‌صورت رسمی جایگاهی ندارد و صرفاً می‌تواند به‌عنوان ابزار پشتیبان غیررسمی برای وکلا مورد استفاده قرار گیرد. در واقع تلقی سنتی از نهاد وکالت در ایران بر رابطه مبتنی بر اعتماد شخصی و احراز صلاحیت انسانی تکیه دارد. از این رو، ورود هوش مصنوعی به این حوزه نیازمند بازنگری عمیق در مبانی فقهی، اصول اهلیت و مفهوم اراده در عقود است. افزون بر آن، فقدان ضوابط نظارتی و نبود نهادهای تخصصی برای کنترل عملکرد سامانه‌های هوش مصنوعی، چالشی مضاعف در مسیر پذیرش این فناوری در ساختار حقوقی ایران ایجاد کرده است.

در مقابل نظام حقوقی آمریکا با رویکردی عمل‌گرایانه، هوش مصنوعی را در چارچوب فناوری‌های نوین تعریف کرده و امکان بهره‌گیری از آن را در فرآیندهای حقوقی به رسمیت شناخته است (Liptak, 2023: 1). اگرچه این نظام نیز وکالت مستقل توسط هوش مصنوعی را مجاز نمی‌داند، اما از کاربردهای گسترده آن در تحلیل پرونده‌ها، پیش‌بینی روند دادرسی، تهیه اسناد و حتی ارائه مشاوره‌های اولیه حقوقی حمایت می‌کند. علاوه بر این، انجمن وکلای آمریکا (ABA) در دستورالعمل‌های اخلاقی جدید خود بر ضرورت آموزش وکلای انسانی در زمینه فناوری‌های نوین و رعایت اصول شفافیت و مسئولیت‌پذیری در استفاده از هوش مصنوعی تأکید کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که در حالی که حقوق ایران هوش مصنوعی را در عرصه وکالت فاقد جایگاه قانونی می‌داند (گندمکار و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۴۱)، حقوق آمریکا آن را ابزاری کارآمد برای تقویت نقش وکیل انسانی تلقی کرده و زمینه بهره‌برداری عملی از آن را فراهم ساخته است. تفاوت این دو رویکرد، بازتابی از فاصله میان نظام‌های حقوقی سنتی و نظام‌های مبتنی بر فناوری است که در آینده نزدیک، می‌تواند مسیر تحول در مفهوم وکالت را به‌طور بنیادین دگرگون سازد.

۲. چالش‌های حقوقی وکالت هوش مصنوعی

در نظام حقوقی ایران، مهم‌ترین چالش در زمینه وکالت هوش مصنوعی، فقدان شخصیت حقوقی و اهلیت قانونی برای ایفای نقش وکیل است (واثقی، ۱۳۹۹: ۳۱۱). وکالت در حقوق ایران نهادی شخصی و مبتنی بر اعتماد مستقیم میان وکیل و موکل است و ورود یک موجود غیرانسانی به این رابطه با مبانی فقهی و قانونی موجود ناسازگار به نظر می‌رسد. افزون بر این، بر اساس اصول کلی قراردادها در حقوق مدنی ایران، تحقق عقد وکالت مستلزم وجود اراده آگاه و قصد انشاء از سوی طرفین است، در حالی که هوش مصنوعی فاقد قصد و شعور انسانی تلقی می‌شود. از این رو، پذیرش آن به‌عنوان فاعل حقوقی یا طرف قرارداد، مستلزم تحول بنیادین در مفاهیم سنتی «شخصیت» و «اراده» و «مسئولیت» است. در این زمینه برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که می‌توان از الگوی «شخصیت الکترونیکی» مشابه با شرکت‌های تجاری برای سامان‌دهی جایگاه حقوقی هوش مصنوعی استفاده کرد تا امکان تعیین حدود وظایف و مسئولیت‌های آن فراهم شود.

در مقابل، نظام حقوقی آمریکا گرچه استفاده مستقل از هوش مصنوعی به‌عنوان وکیل را مجاز نمی‌داند، اما چالش‌های اصلی را بیشتر در حوزه‌های مسئولیت مدنی، محرمانگی اطلاعات و رعایت استانداردهای حرفه‌ای می‌بیند. نگرانی اصلی در آمریکا نه فقدان شخصیت حقوقی، بلکه تعیین حدود مسئولیت و نظارت بر عملکرد سامانه‌های هوشمند در فرآیند وکالت است (Custers et al, 2025: 8). در این نظام، بحث بر سر میزان اعتماد به الگوریتم‌ها و ضرورت شفافیت در تصمیم‌گیری‌های خودکار نیز از موضوعات محوری است. بر این اساس، چالش ایران ماهیتی هویتی و مبنایی دارد، در حالی که چالش آمریکا بیشتر ماهیتی نظارتی و کارکردی است. تمایز این دو رویکرد نشان می‌دهد که آینده وکالت هوش مصنوعی نه صرفاً در گرو توسعه فناوری، بلکه وابسته به ظرفیت نظام‌های حقوقی در بازتعریف مفاهیم بنیادین خود خواهد بود.

۱-۲. بررسی امکان‌پذیری اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی در وکالت در قوانین آمریکا و ایران

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ورود هوش مصنوعی به عرصه وکالت، مسئله شناسایی یا عدم شناسایی شخصیت حقوقی برای این فناوری است. طرح این موضوع نخستین بار در سطح اتحادیه اروپا با پیشنهاد اعطای «شخصیت الکترونیکی» در سال ۲۰۱۷ مطرح شد (واثقی، ۱۳۹۹: ۳۱۲). هرچند این ایده در ابتدا با هدف ایجاد جایگاهی مستقل برای هوش مصنوعی در کنار شخصیت حقیقی و حقوقی ارائه گردید، اما به دلیل اعتراضات گسترده در حوزه‌های فلسفه، اخلاق، حقوق و فناوری، نهایتاً در اسناد بعدی اتحادیه اروپا، به‌ویژه در قانون هوش مصنوعی مصوب ۲۰۲۴، کنار گذاشته شد. این قانون به جای اعطای شخصیت مستقل به هوش مصنوعی، بر مسئولیت‌پذیری توسعه دهندگان، تأمین کنندگان و کاربران تأکید کرده است.

در ایالات متحده نیز وضعیت مشابهی حاکم است؛ قوانین این کشور شخصیت حقوقی برای هوش مصنوعی قائل نشده و آن را قادر به ایفای نقش وکیل یا مسئولیت‌پذیری مستقل نمی‌دانند (Raymond, 2023: 2). رویه‌های قضایی نیز بر همین رویکرد تأکید داشته‌اند. نمونه بارز آن رأی قاضی فدرال بریل هاوول است که آثار تولید شده صرفاً توسط هوش مصنوعی را فاقد حمایت کپی‌رایت دانست. علاوه بر این، دادگاه‌های آمریکا مقرراتی را برای استفاده وکلا از ابزارهای هوش مصنوعی در تنظیم مستندات وضع کرده‌اند که هدف آن جلوگیری از اتکای کامل به این فناوری و الزام به بررسی صحت اطلاعات توسط انسان است. بنابراین نظام قضایی آمریکا در حال حاضر با احتیاط، صرفاً نقش ابزاری و کمکی برای هوش مصنوعی در فرآیند وکالت قائل است.

در نظام حقوقی ایران نیز هوش مصنوعی فاقد شخصیت حقوقی مستقل است و مسئولیت مدنی مستقیم بر آن تحمیل نمی‌شود. قواعد عام مسئولیت مدنی و مبانی فقهی همچون قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» بر انتقال مسئولیت به اشخاص حقیقی یا حقوقی مرتبط با توسعه و بهره‌برداری از این فناوری دلالت دارند (قزوینی و مسعودیان‌زاد، ۱۳۹۳: ۷۸). با این حال، این پرسش بنیادین مطرح است که آیا می‌توان مشابه تجربه اعطای شخصیت حقوقی به شرکت‌ها در قانون تجارت، برای هوش مصنوعی نیز شخصیت مستقل در حوزه‌هایی مانند وکالت پیش‌بینی کرد؟ پذیرش چنین امری مستلزم بررسی دقیق آثار حقوقی آن از جمله حدود تعهدات قراردادی، الزامات مربوط به محرمانگی اطلاعات و تعیین مسئولیت در قبال تصمیمات یا خطاهای احتمالی هوش مصنوعی است.

بر این اساس، یک سؤال چالش‌برانگیز مطرح است که آیا می‌توان با اصلاح قوانین و تدوین مقررات جدید، جایگاهی مشخص برای هوش مصنوعی در نهاد وکالت تعریف کرد، یا آنکه این فناوری باید صرفاً در مقام ابزار پشتیبان باقی بماند؟ همچنین، در صورت پذیرش نقش مستقل یا نیمه‌مستقل برای هوش مصنوعی در وکالت، حدود مسئولیت آن چگونه باید تعیین و تنظیم گردد؟

۲-۲. بررسی مسئولیت حقوقی و مدنی ناشی از خطای هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران و آمریکا

به نظر می‌رسد که چند دیدگاه را می‌توان از قوانین و آثار مهم حقوقی در ایران استنباط کرد. مطابق دیدگاه سنتی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر (نظریه مسئولیت شخص اختصاص‌کننده یا توسعه‌دهنده) که بر مبنای تقصیر استوار است (بیرانوند و احمدی، ۱۴۰۰: ۱۲۵)، مسئولیت مدنی ناشی از خطای هوش مصنوعی بر عهده اشخاصی قرار می‌گیرد که در ایجاد، توسعه یا بهره‌برداری از آن نقش دارند. این نظریه با اصول کلی مسئولیت مدنی ایران، از جمله ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی که بیان می‌کند «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به دیگری زیان برساند، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است»، همخوانی دارد. بنابراین اگر هوش مصنوعی در یک مشاوره حقوقی، اطلاعات نادرستی ارائه دهد و موجب خسارت شود، مسئولیت متوجه فرد یا نهادی است که از آن استفاده کرده یا آن را توسعه داده است. این در حالی است که طبق دیدگاه مبتنی بر نظریه خطر (مسئولیت

محض یا عینی) و بر اساس نظریه خطر که در برخی قوانین ایران مانند ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی نیز مورد اشاره قرار گرفته است، هرگاه یک فعالیت ذاتاً خطرناک باشد، شخصی که از آن بهره می‌برد، بدون نیاز به اثبات تقصیر مسئول جبران خسارات ناشی از آن است (گندمکار و دیگران، ۱۴۰۰: ج. ۲، ۲۴۳). در این راستا، اگر استفاده از هوش مصنوعی در یک سیستم حقوقی، پزشکی یا مالی، منجر به زیان شود، بهره‌بردار آن (اعم از شرکت، وکیل یا سازمان) صرف نظر از اینکه مرتکب تقصیر شده باشد یا خیر، مسئول جبران خسارت خواهد بود. با این وجود، دیدگاه نوین: امکان اعطای شخصیت حقوقی مستقل به هوش مصنوعی و مسئولیت مستقیم آن را نیز می‌توان قائل بود (تخشید، ۱۴۰۰: ج. ۱، ۲۳۶). اما در پاسخ سؤال چالش برانگیز به وجود آمده مبنی بر اینکه آیا می‌توان با اصلاح قوانین و تدوین مقررات جدید، شخصیت مستقل به هوش مصنوعی اعطا کرد؟

باید گفت که به نظر می‌رسد که همان‌گونه که شرکت‌های تجاری در قانون تجارت ایران با تصویب قانون ۱۳۱۱ دارای شخصیت حقوقی شدند، می‌توان در آینده برای هوش مصنوعی نیز شخصیت حقوقی مستقلی تعریف کرد. در این صورت، هوش مصنوعی در قبال تصمیمات و اقدامات خود به‌طور مستقل مسئول شناخته شده و ممکن است تحت یک نظام حقوقی جدید (تعریف نظام حقوقی جدید نیازمند تدوین قوانین خاص توسط اساتید علم حقوق است که موضوع بحث این مقاله نیست) ملزم به جبران خسارت از طریق صندوق‌های حمایتی یا بیمه‌های تخصصی شود. با این حال، در حقوق ایران، مسئولیت ناشی از خطای هوش مصنوعی هنوز فاقد یک چارچوب مشخص است، اما می‌توان از نظریات موجود برای تبیین آن بهره برد. دیدگاه مبتنی بر تقصیر (مسئولیت بهره‌بردار یا توسعه دهنده)، دیدگاه مبتنی بر نظریه خطر (مسئولیت عینی)، دیدگاه نوین اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی هرکدام رویکردهای متفاوتی را ارائه می‌دهند. با توجه به چالش‌های ناشی از توسعه فناوری، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ایران رویکردی ترکیبی را اتخاذ کند و با در نظر گرفتن تجربه سایر کشورها، نظامی جامع برای تنظیم مسئولیت هوش مصنوعی تدوین نماید (وائقی، ۱۳۹۹: ج. ۲، ۳۳۰).

مسئولیت حقوقی و مدنی ناشی از خطاهای هوش مصنوعی در ایالات متحده نیز موضوعی پیچیده و چندوجهی است که دیدگاه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. یکی از دیدگاه‌های مطرح این است که در صورت بروز خطا در سیستم‌های هوش مصنوعی، تولیدکنندگان و توسعه دهندگان این سیستم‌ها باید پاسخگو باشند. این مسئولیت می‌تواند به دلیل نقص در طراحی، عدم دقت در آموزش مدل‌ها یا عدم پیش‌بینی استفاده‌های نادرست از سیستم باشد. در مقاله‌ای با عنوان «From liability overlaps: shared responsibilities and fiduciary duties in AI and other complex technologies» به این موضوع پرداخته شده است (Custers et al, 2025, Vol. 1: 5). از طرف دیگر دیدگاه دیگری بر این باور است که کاربران و اپراتورهای سیستم‌های هوش مصنوعی نیز در قبال خطاهای احتمالی مسئولیت دارند، به ویژه اگر از سیستم به‌طور نادرست یا در شرایط نامناسب استفاده کنند و البته برخی معتقدند که مسئولیت باید به صورت

مشترک بین تولیدکنندگان و توسعه دهندگان و کاربران تقسیم شود. این رویکرد به تحلیل دقیق هر مورد و تعیین سهم هر یک از طرفین در بروز خطا می‌پردازد. لذا مانند ایران، آمریکا نیز به نوعی با تشدید آرا روبه‌روست. از این جهت باید اذعان داشت که با پیشرفت سریع فناوری هوش مصنوعی، قوانین فعلی ممکن است برای پوشش کامل مسئولیت‌ها کافی نباشند. بنابراین، نیاز به تدوین چارچوب‌های قانونی جدیدی احساس می‌شود که به‌طور خاص به مسائل مرتبط با هوش مصنوعی بپردازند (Raymond, 2023, Vol. 2: 2).

۳-۲. مسائل اخلاقی و تعارضات احتمالی

با وجود مزایای هوش مصنوعی، چالش‌هایی نیز در استفاده از این فناوری در حوزه وکالت وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از نگرانی‌های اصلی، حفظ حریم خصوصی موکلان است (کاوه و بارانی، ۱۴۰۳: ۵۴). اطلاعات حقوقی، به‌ویژه در پرونده‌های کیفری و حساس می‌توانند شامل جزئیات خصوصی و حیاتی درباره زندگی افراد باشند. هرگونه نقض حریم خصوصی در این زمینه می‌تواند تبعات جدی و غیرقابل جبرانی به دنبال داشته باشد، از جمله آسیب به اعتماد موکلان به وکلا و کاهش اعتبار حرفه‌ای. در این راستا، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و قوانین مربوط به حفظ حریم خصوصی، به‌ویژه قانون حمایت از داده‌ها و قانون جرائم رایانه‌ای در ایران، می‌توانند نقش مهمی در حفظ حقوق موکلان و تنظیم فعالیت‌های مرتبط با هوش مصنوعی در وکالت ایفا کنند (واثقی، ۱۳۹۹: ۳۲۲). این قوانین موظف می‌کنند که وکلا و مؤسسات حقوقی نسبت به جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و استفاده از داده‌های شخصی موکلان به‌طور مسئولانه عمل کنند و از حریم خصوصی آن‌ها محافظت نمایند.

در حقوق آمریکا نیز چالش‌های اخلاقی و قانونی مرتبط با هوش مصنوعی در وکالت به‌وضوح مشاهده می‌شود. قانون حریم خصوصی داده‌ها مانند «قانون حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی»^۱ و «قانون حفاظت از اطلاعات شخصی»^۲ محدودیت‌هایی را برای جمع‌آوری و استفاده از داده‌های خصوصی توسط وکلا و شرکت‌های فناوری اعمال می‌کنند. همچنین، در برخی پرونده‌ها مانند «Carpenter v. United States» (Carpenter v. United States, 2018). دیوان عالی آمریکا بر اهمیت حفظ حریم خصوصی در برابر فناوری‌های نوین تأکید کرده است (Carpenter v. United States, 2018: 1).

یکی دیگر از تعارضات اخلاقی در حقوق آمریکا، مسئله شفافیت تصمیمات اتخاذ شده توسط الگوریتم‌های هوش مصنوعی است. به‌عنوان مثال، در برخی سیستم‌های هوش مصنوعی که برای پیش‌بینی نتایج دعاوی مورد استفاده قرار می‌گیرند، وکلا و دادگاه‌ها با این چالش روبه‌رو هستند که آیا این سیستم‌ها می‌توانند جایگزین ارزیابی انسانی شوند و آیا سوگیری‌های احتمالی در این الگوریتم‌ها ممکن است بر عدالت تأثیر بگذارد. علاوه بر این، در

^۱. ECPA

^۲. HIPAA

ایالت‌هایی مانند کالیفرنیا، مقررات سخت‌گیرانه‌ای برای استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های حساس مانند وکالت وضع شده است تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. برای مثال، قوانین مربوط به اخلاق وکلا (ABA Model Rules) تأکید دارند که وکلا موظفند هنگام استفاده از فناوری‌های نوین، از رعایت اصول اخلاقی و عدم ایجاد تعارض منافع اطمینان حاصل کنند (Gates, 2024: 4). همچنین، لازم است که وکلا آگاهانه و شفاف درباره نحوه استفاده از هوش مصنوعی و تأثیر آن بر اطلاعات شخصی موکلان خود با آن‌ها گفتگو کنند (تخشید، ۱۴۰۰: ج. ۱، ۲۴۰). همچنین، تنظیم مقررات خاص برای استفاده از هوش مصنوعی در وکالت می‌تواند به جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و تضمین رعایت استانداردهای اخلاقی و قانونی کم کند. در نهایت، توجه به این چالش‌ها و ایجاد یک چارچوب قانونی مناسب می‌تواند به بهبود بهره‌وری هوش مصنوعی در وکالت بدون نقض حقوق موکلان و حفظ حریم خصوصی آن‌ها کمک کند.

۳. بررسی تطبیقی مقررات ایران و آمریکا درباره وکالت هوش مصنوعی

در حقوق ایران، وکالت به‌عنوان یک عقد و نهاد حقوقی صرفاً میان اشخاص حقیقی معتبر است و قوانین موجود هیچ جایگاهی برای پذیرش هوش مصنوعی به‌عنوان وکیل یا نماینده حقوقی قائل نشده‌اند (قهرمانی و دیگران، ۱۴۰۰: ج. ۱، ۴۰۲). مبنای فقهی و قانونی این نظام، بر اهلیت و شخصیت انسانی وکیل استوار است که امکان تفویض و اعتماد شخصی را فراهم می‌سازد. از این رو، هوش مصنوعی صرفاً می‌تواند به‌عنوان ابزار کمکی غیررسمی در اختیار وکلا قرار گیرد و جایگاه مستقلی در ساختار حقوقی ندارد (گندمکار و دیگران، ۱۴۰۰: ج. ۱، ۲۴۸).

در مقابل، نظام حقوقی آمریکا با رویکردی انعطاف‌پذیر، هرچند وکالت رسمی را همچنان منحصر به اشخاص انسانی دارای مجوز می‌داند، اما زمینه بهره‌گیری از فناوری‌های هوش مصنوعی را در قالب ابزارهای حرفه‌ای و پشتیبان فراهم کرده است (Raymond, 2023, Vol. 1: 2). مقررات ایالتی و رویه‌های قضایی نیز بیش از آنکه بر نفی مطلق نقش هوش مصنوعی تأکید کنند، بر تنظیم و نظارت بر کاربردهای آن در فرآیند وکالت متمرکز شده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که در حالی که ایران در سطح مقرراتی با رویکردی محدودکننده مانع ورود هوش مصنوعی به وکالت است، آمریکا با رویکردی تنظیم‌گرایانه، به دنبال مدیریت چالش‌ها و استفاده عملی از ظرفیت‌های این فناوری در عرصه وکالت است.

۱-۳. وضعیت قانونی هوش مصنوعی در وکالت در ایالات متحده

هوش مصنوعی در حوزه وکالت ایالات متحده تأثیرات قابل توجهی داشته و همچنان موضوع بحث‌های گسترده‌ای است. جان رابرتز رئیس دیوان عالی ایالات متحده، اظهار کرده است که هوش مصنوعی می‌تواند دسترسی به عدالت را برای افراد کم‌درآمد بهبود بخشد و تحقیقات حقوقی را تسریع کند. با این حال، او نسبت به مسائل حریم

خصوصی و ناپایداری فناوری در تقلید از تصمیمات انسانی هشدار داده است (Liptak, 2023, Vol. 1: 4). در مواردی، استفاده نادرست از هوش مصنوعی در وکالت منجر به پیامدهای قانونی شده است. برای مثال، وکیلی در آمریکا به دلیل ارائه اسنادی که توسط چت‌بات هوش مصنوعی تولید شده و حاوی اطلاعات نادرست بود، با جریمه ۵ هزار دلاری مواجه شد (Bohannon, 2023, Vol. 1: 2). این رویداد نشان دهنده اهمیت نظارت دقیق انسانی بر محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی در حوزه حقوقی است. همچنین، دادگاه حوزه پنجم ایالات متحده پیشنهادی را مطرح کرده است که وکلا را ملزم می‌کند در صورت استفاده از برنامه‌های هوش مصنوعی برای تهیه اسناد حقوقی، دقت و صحت اطلاعات را تأیید کنند (Raymond, 2023, Vol. 1: 2). این اقدام با هدف تنظیم و نظارت بر استفاده از هوش مصنوعی در فرآیندهای حقوقی انجام شده است. در مجموع، در حالی که هوش مصنوعی پتانسیل بهبود کارایی و دسترسی در حوزه وکالت را دارد، استفاده از آن نیازمند نظارت دقیق و تنظیم مقررات مناسب است تا از صحت و دقت اطلاعات و همچنین حفظ حریم خصوصی اطمینان حاصل شود.

۳-۲. مقررات حاکم بر وکالت هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران

موضوع «وکالت هوش مصنوعی» در نظام حقوقی ایران، یک بحث نوپدید و میان‌رشته‌ای است که در حال حاضر فاقد قانون‌گذاری خاص و صریح است. با این حال می‌توان مقررات حاکم و دیدگاه‌های فقهی حقوقی موجود را در قالب چند محور تحلیل کرد. در واقع در نظام حقوقی ایران، وکالت با استفاده از هوش مصنوعی هنوز جایگاه قانونی مشخصی ندارد و قوانین فعلی تنها به حضور وکیل انسانی رسمیت می‌دهند (قهرمانی و دیگران، ۱۴۰۰: ج ۱، ۴۰۲).

قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ تصریح دارند که وکالت در محاکم نیازمند صلاحیت انسانی و داشتن پروانه وکالت است، بنابراین یک سامانه یا نرم‌افزار هوش مصنوعی نمی‌تواند به‌عنوان وکیل رسمی شناخته شود. همچنین قوانین موجود مانند قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و مقررات مربوط به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی به موضوع وکالت دیجیتال یا استفاده از هوش مصنوعی در امور حقوقی نپرداخته‌اند. از نظر چالش‌های حقوقی نیز مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از ارائه مشاوره‌های نادرست توسط هوش مصنوعی مشخص نیست و این سؤال مطرح می‌شود که در صورت بروز خسارت، چه کسی مسئول خواهد بود؛ سازنده نرم‌افزار، توسعه‌دهنده الگوریتم یا کاربری که از آن استفاده کرده است؟ همچنین، وکالت مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی و افشای اطلاعات محرمانه موکلان شود که ممکن است با قوانین مربوط به حفظ اسرار حرفه‌ای وکلا مغایرت داشته باشد (وائقی، ۱۳۹۹: ج ۱، ۳۲۲).

علاوه بر این، در نظام قضایی ایران حضور فیزیکی وکیل در بسیاری از جلسات دادگاه ضروری است و هیچ مقرراتی برای استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان نماینده قانونی وجود ندارد. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی

در تحلیل داده‌های حقوقی، ارائه مشاوره‌های اولیه، پیش‌بینی آرای قضایی و تسهیل فرآیندهای وکالتی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کمکی مورد استفاده قرار گیرد، اما هنوز خلأهای قانونی و چالش‌های حقوقی بسیاری در این زمینه وجود دارد. بر اساس آنچه آمد می‌توان گفت که پذیرش هوش مصنوعی در حوزه وکالت با چالش‌های حقوقی، اخلاقی و اجرایی همراه است. از جمله مهم‌ترین چالش‌ها می‌توان به حفظ محرمانگی اطلاعات، تضاد منافع، نبود شفافیت در تصمیم‌گیری و عدم توانایی در تفسیر حقوقی با در نظر گرفتن اصول عدالت و انصاف اشاره کرد.

در ایالات متحده، برخی ایالات در حال تدوین چارچوب‌های حقوقی برای استفاده از هوش مصنوعی در خدمات حقوقی هستند، اما هنوز مسئولیت‌پذیری هوش مصنوعی در برابر اشتباهات و تصمیمات حقوقی مشخص نشده است. در ایران نیز عدم وجود قوانین صریح در زمینه مسئولیت مدنی و کیفری هوش مصنوعی، مانعی جدی در پذیرش آن به‌عنوان وکیل محسوب می‌شود. با این وجود، با توجه به تحولات فناوری و روند رو به رشد استفاده از هوش مصنوعی در خدمات حقوقی، ضرورت دارد که نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله ایران و آمریکا، قوانین مشخص و سازوکارهای نظارتی دقیقی برای تعیین مسئولیت حقوقی هوش مصنوعی تدوین کنند. ایجاد چارچوب‌های قانونی برای نحوه استفاده، محدودیت‌های عملکرد، نظارت بر تصمیمات و تعیین مسئولیت در قبال خطاهای احتمالی می‌تواند زمینه را برای استفاده مؤثر از این فناوری در وکالت فراهم کند. با این وجود، سرعت پیشرفت این فناوری، نشان از آن دارد که در آینده‌ای نزدیک، احتمالات زیادی وجود دارد و شاید یکی از این احتمالات، ورود هوش مصنوعی در قامت وکیل باشد. لذا تدقیق در این امر و قانون‌گذاری در ایران باید بیشتر مورد توجه واقع شود (قزوینی و مسعودیان‌زاد، ۱۳۹۳: ج ۱، ۸۳).

افزون بر این، در عصر حاضر با ورود هوش مصنوعی به عرصه حقوق، شکل نوینی از وکالت مطرح شده است که بر پایه تخصص فنی و قدرت پردازش اطلاعات در مقیاس گسترده استوار است، نه بر اساس رابطه نیابت یا اعتماد شخصی. در واقع، اگر انسان به دلیل اعتماد و احراز صلاحیت فردی به‌عنوان وکیل برگزیده می‌شود، هوش مصنوعی به‌واسطه توانایی خارق‌العاده در تحلیل داده‌ها، تفسیر قوانین، پیش‌بینی نتایج دعاوی و ارائه راه‌حل‌های حقوقی نقش وکالت را ایفا می‌کند. در این نوع وکالت، عنصر اصلی نه نیابت، بلکه کارایی و تخصص الگوریتمی است که حتی می‌تواند از مرزهای توانایی‌های انسانی فراتر رود. این تحول، پرسش‌های بنیادینی در باب ماهیت وکالت، مشروعیت نیابت غیرشخص حقیقی و مبنای مسئولیت و اعتماد در روابط حقوقی مطرح می‌سازد.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی وکالت در پرتو هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده نشان داد که ورود فناوری‌های نوین به حوزه حقوق، به‌ویژه حرفه وکالت، پرسش‌های بنیادین و چالش‌های حقوقی قابل توجهی ایجاد کرده است. در نظام حقوقی ایران، مانع اصلی در پذیرش وکالت توسط هوش مصنوعی، ماهیت شخصی وکالت

و تأکید بر اهلیت و شخصیت حقیقی وکیل است. این امر ریشه در مبانی فقهی و حقوقی دارد که وکالت را رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد مستقیم میان وکیل و موکل می‌دانند. در چنین چارچوبی، پذیرش یک موجود غیرانسانی به‌عنوان وکیل با اصول سنتی حقوقی ناسازگار تلقی می‌شود. بنابراین، در ایران استفاده از هوش مصنوعی صرفاً به‌عنوان ابزار پشتیبان برای وکلا قابل تصور است و جایگاه مستقلی در ساختار حقوقی ندارد.

در مقابل، نظام حقوقی ایالات متحده با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه‌تر، هرچند وکالت رسمی را همچنان به اشخاص انسانی واجد صلاحیت محدود کرده، اما ظرفیت‌های هوش مصنوعی را به رسمیت شناخته و زمینه بهره‌گیری گسترده از آن در فرآیندهای حقوقی را فراهم آورده است. مقررات ایالتی و رویه‌های قضایی در آمریکا بیش از آنکه به نفی مطلق نقش هوش مصنوعی بپردازند، بر چگونگی تنظیم، کنترل و نظارت بر استفاده از آن متمرکز شده‌اند. دغدغه‌های اصلی در این کشور نه فقدان شخصیت حقوقی، بلکه موضوعاتی همچون مسئولیت مدنی ناشی از خطاهای هوش مصنوعی، حفظ محرمانگی اطلاعات، رعایت استانداردهای اخلاقی و جلوگیری از سوگیری الگوریتمی است.

مقایسه این دو نظام نشان می‌دهد که چالش ایران ماهیتی مبنایی و هویتی دارد، در حالی که چالش آمریکا بیشتر ماهیتی کارکردی و نظارتی است. این تفاوت ریشه در مبانی نظری و فلسفی متفاوت دو نظام حقوقی دارد؛ جایی که ایران بر مبانی سنتی و فقهی وکالت تأکید دارد و آمریکا بر مبنای عمل‌گرایی و کارکردگرایی به دنبال تنظیم‌گری تدریجی است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که هرچند هیچ‌یک از دو نظام، وکالت مستقل توسط هوش مصنوعی را به رسمیت نشناخته‌اند، اما سرعت پیشرفت فناوری و نفوذ روزافزون آن در عرصه حقوق ایجاب می‌کند که هر دو نظام به‌ویژه ایران، چارچوب‌های حقوقی و مقرراتی نوینی را تدوین کنند. این چارچوب‌ها باید ابعاد مختلفی چون تعیین حدود اختیارات هوش مصنوعی، نحوه استفاده از آن در فرآیندهای دادرسی، مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از خطاها، حفظ محرمانگی و نیز ملاحظات اخلاقی و حقوق شهروندی را پوشش دهند. درنهایت، می‌توان گفت که اتخاذ رویکردی ترکیبی که هم بهره‌گیری از ظرفیت‌های هوش مصنوعی را ممکن سازد و هم از طریق تنظیم‌گری دقیق، مانع از نقض اصول بنیادین حرفه وکالت شود، راهکاری ضروری برای آینده است. چنین رویکردی علاوه بر تضمین دسترسی عادلانه‌تر به خدمات حقوقی، می‌تواند موجب ارتقای کیفیت و کارآمدی نظام‌های حقوقی در مواجهه با تحولات پرشتاب عصر دیجیتال گردد.

فهرست منابع

- بیرانوند، فرید و احمدی، فاطمه (۱۴۰۰). «مسئولیت حقوقی و کیفری وکیل در صدور چک از منظر فقه امامیه و قانون صدور چک». **فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی**، دوره ۳، شماره ۳.
- تخشید، زهرا (۱۴۰۰). «مقدمه‌ای بر چالش‌های هوش مصنوعی در حوزه مسئولیت مدنی»، **حقوق خصوصی**، دوره ۱۸، شماره ۱.
- علوی قزوینی و سید ذبیح‌الله؛ مسعودیان‌زاد (۱۳۹۳). «قاعده من له الغنم فعلیه الغرم»، **پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی**، دوره ۱، شماره ۴.
- قهرمانی، برزگر و سلیمان، ابوالفضل (۱۴۰۰). «وکالت به غیر در حقوق ایران»، **حقوق ملل**، دوره ۴۲، شماره ۱۱.
- کاوه، محمدهادی و بارانی، محمد (۱۴۰۳). «مسئولیت کیفری هوش مصنوعی در حقوق کیفری ایران با نگاهی به قوانین اتحادیه اروپا»، **فقه جزای تطبیقی**، دوره ۴، شماره ۳.
- گندمکار، رضا حسین؛ صالحی مازندرانی، محمد و حمیدی، محمد مهدی (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی امکان وجود شخصیت حقوقی برای سامانه‌های هوشمند در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق غرب»، **پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، دوره ۸، شماره ۴.
- وائقی، محسن (۱۳۹۹). «امکان‌سنجی اعطای شخصیت حقوقی به ربات‌های هوشمند با تکیه بر مصوبه اتحادیه اروپا (شخص الکترونیک - ۲۰۱۷)»، **مجلس و راهبرد**، دوره ۲۷، شماره ۳.
- وایزبرگ، نواه (۱۴۰۲). **هوش مصنوعی برای وکلا**، ترجمه: مجموعه مترجمان، تهران: نشر تصمیم.

Reference

- Alavi Qazvini, Seyyed Zabihollah; Masoudianzad; 2014, The Rule of “Who Has the Profit Must Bear the Loss”, *Legal Thoughts Research Journal*, 1(4)
- Anthony, E. Davis; Puiszis, Steven M; 2020, An Update on Lawyers’ Duty of Technological Competence: Part I, *New York Law Journal*.
- Biranvand, Farid; Ahmadi, Fatemeh; 2021, Civil and Criminal Liability of Lawyers in Issuing Checks from the Perspective of Imami Jurisprudence and the Law on Issuance of Checks, *Journal of Economic Jurisprudence Studies*, 3(3)
- Bohannon, M; 2023, Judge fines two lawyers for using fake cases from ChatGPT, *Forbes*.
- British Institute of International and Comparative Law (BIICL); 2021, Use of Artificial Intelligence in Legal Practice⁴ Available at: https://www.biicl.org/documents/170_use_of_artificial_intelligence_in_legal_practice_final.pdf
- Crenshaw, K. W; 2021, This is not a Drill: The War Against Antiracist Teaching in America, *UCLA Law Review*, 68.
- Custers, B; Lahmann, H; Scott, B. I; 2025, From Liability Gaps to Liability Overlaps: Shared Responsibilities and Fiduciary Duties in AI and Other Complex Technologies, *AI & Society*, 1–16.
- Frolova, E. E; Ermakova, E. P; 2021, Utilizing Artificial Intelligence in Legal Practice, in *Smart Technologies for the Digitisation of Industry: Entrepreneurial Environment*, Singapore: Springer.
- Gandomkar, Reza Hossein; Salehi Mazandarani, Mohammad; Hamidi, Mohammad Mehdi; 2021, A Comparative Study on the Possibility of Legal Personality for Intelligent Systems in Imami

- Jurisprudence, Iranian Law, and Western Law, Comparative Research on Islamic and Western Law, 8(8).
- Gates, M; 2024, California's Legislature Passes Major AI Regulation to Implement Safety, Security Measures, ASIS International.
- Ghahremani, Barzegar; Soleymian, Abolfazl; 2021, Representation by Proxy in Iranian Law, Nations Law Journal, 42(11).
- Godreau-Aubert, A. M; 2022, Lawyering in Times of Peril: Legal Empowerment and the Relevance of the Legal Profession, NYU Law Review, 97.
- Hedlund, M; Persson, E; 2025, Distribution of Responsibility for AI Development: Expert Views, AI & Society.
- Kaveh, Mohammad Hadi; Barani, Mohammad; 2024, Criminal Liability of Artificial Intelligence in Iranian Criminal Law with a View to EU Laws, Comparative Criminal Jurisprudence, 4(3).
- Kufakwababa, C. Z; 2021, Artificial Intelligence Tools in Legal Work Automation: The Use and Perception of Tools for Document Discovery and Privilege Classification Processes in Southern African Legal Firms, Doctoral Dissertation, Stellenbosch University.
- Liptak, A; 2023, Chief Justice Roberts Sees Promise and Danger of A.I. in the Courts, The New York Times.
- Moran, L; 2023, Judge in ChatGPT Case Most Troubled by Attorneys' Lack of Candor, Bloomberg Law.
- Raymond, N; 2023, US Appeals Court Proposes Lawyers Certify Review of AI Use in Filings, Reuters.
- Sarra, C; 2025, Artificial Intelligence in Decision-making: A Test of Consistency between the "EU AI Act" and the "General Data Protection Regulation", Athens Journal of Law, 11(1).
- Staszkiwicz, P; Horobiowski, J; Szelągowska, A; Strzelecka, A. M; 2024, Artificial Intelligence Legal Personality and Accountability: Auditors' Accounts of Capabilities and Challenges for Instrument Boundary, Meditari Accountancy Research, 32(7).
- Takhshid, Zahra; 2021, An Introduction to the Challenges of Artificial Intelligence in the Field of Civil Liability, Private Law Journal, 18(1).
- Vaseghi, Mohsen; 2020, Feasibility of Granting Legal Personality to Intelligent Robots with Emphasis on EU Resolution (Electronic Person - 2017), Majles and Strategy, 27(103).
- Weisberg, Noah; 2023, Artificial Intelligence for Lawyers, Translated by Group of Translators; Tehran: Tasmim Publishing (In Persian)